

دانش‌آموزان دختر: هویت دینی یا هویت قومی؟

دکتر حسین گدازگر*

لاله فتعی**

چکیده

هویت (Identity) پدیده‌ای زنده، پویا و شامل بخشهای گوناگونی است که از عضویت فرد در گروه‌های مختلف ناشی می‌شود؛ به طوری که این هویت‌ها قسمتی از هویت کلی فرد را تشکیل می‌دهند. هویت اجتماعی و هویت فرهنگی از بخشهای مهم هویت هر فردی به حساب می‌آیند. این هویت‌ها بسیار گسترده و دارای ابعاد مختلف‌اند که بایستی محدود شوند؛ چرا که پرداختن به تمام ابعاد هویت اجتماعی و فرهنگی کاری گسترده و زمان‌بر است. با توجه به تعاریفی که از هویت اجتماعی شده، درمی‌یابیم که یکی از وجوه مهم آن «قومیت» (Ethnicity) است. این وضعیت در خصوص هویت فرهنگی که یکی از عناصر مهم آن «دین» است نیز صادق است. بدین دلیل در این مطالعه به ابعاد مهمی از هویت اجتماعی و فرهنگی (قومیت و دین) پرداخته شد و مهم‌ترین هدفی که از آن تعقیب می‌شود عبارت است از: بررسی تطبیقی هویت دینی و قومی دانش‌آموزان دختر سال سوم دبیرستان سه گروه قومی: ترک، کرد و ارمنی در استان آذربایجان غربی.

نتایج تحقیق نشان داد که هویت دینی دانش‌آموزان مسیحی نسبت به دانش‌آموزان اهل تسنن و اهل تشیع و هویت دینی دانش‌آموزان اهل تسنن نسبت به دانش‌آموزان اهل تشیع دارای اهمیت و برجستگی بیشتری است. همچنین میانگین به دست آمده از کل پاسخگویان، بیانگر آن است که هویت دینی برای دختران پاسخگو از جایگاه متوسطی برخوردار است. در بحث هویت قومی نتایج نشان داد که دانش‌آموزان ترک نسبت به دانش‌آموزان کرد و ارمنی از لحاظ هویت قومی در مرتبه پایین‌تری هستند. بدین معنا که قومیت برای آنان نسبت به دو گروه دیگر برجستگی کمتری دارد. از طرف دیگر میانگین به دست آمده از کل پاسخگویان، حکایت از جایگاه نسبتاً ضعیف هویت قومی در آنها دارد. برخی از نتایج نیز نشان داد که متغیر نگرش والدین گروه همسالان بر هویت دینی و قومی دانش‌آموزان مورد بررسی مؤثر بوده است.

به طور کلی نتایج این پژوهش که در بین دانش‌آموزان دختر سال سوم دبیرستان سه گروه قومی ترک، کرد و ارمنی در استان آذربایجان غربی (۱۳۸۱-۱۳۸۲) با حجم نمونه ۳۰۰ نفر صورت گرفته، نشان‌دهنده اهمیت هویت دینی نسبت به هویت قومی در بین پاسخگویان می‌باشد.

واژه‌های کلیدی: هویت، هویت قومی، هویت دینی، قومیت، دین

* - دانشیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه تبریز

** - کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی

مقدمه

امروزه موضوع هویت از جنبه‌های گوناگون و از سوی نظریه‌پردازان بسیاری مطرح می‌شود. مسائلی مانند بحران هویت، بی‌هویتی، هویت قومی، هویت دینی، هویت ملی و ... همگی حول محور بحث هویت طرح و بررسی می‌شوند.

شکل‌گیری هویت نه در دوران نوجوانی شروع می‌شود و نه در این دوران خاتمه می‌یابد. موضوع مهم درباره‌ی هویت در نوجوانی و مخصوصاً اواخر نوجوانی (۱۶ و ۱۷ سالگی) این است که برای نخستین بار رشد جسمانی، معرفتی و اجتماعی باعث می‌شود فرد بتواند هویت دوران کودکی و سایر هویت‌ها را برای ایجاد یک مسیر مناسب به سمت بزرگسالی ترکیب کند. بررسی موضوع هویت در نوجوانی به این معنا نیست که هویت در طول زندگی ثابت می‌ماند، شخصی که دارای هویت سالمی است، قابلیت انعطاف و تطبیق با شرایط مختلف را دارد. با توجه به اینکه هویت‌های دوران نوجوانی مهم‌تر از هویت‌های دوران کودکی هستند، سؤالات مهمی مانند، من چه کسی هستم؟ کدام یک از منابع هویت برای من از اهمیت بیشتری برخوردار است؟ چگونه موقعیتم را درون گروه قومی خودم تعریف می‌کنم؟ در طول سالهای نوجوانی مطرح می‌شوند.

دین و قومیت از مهم‌ترین منابع تشکیل‌دهنده‌ی هویت هر فردی محسوب می‌شوند. تقریباً در همه جوامع اقلیت‌های قومی و گروه‌های مذهبی برای حفظ هویت خود مبارزه کرده‌اند و کشمکش و مبارزه برای داشتن هویت انحصاری، نیروی محرک در تأسیس کلیساها، امپراتوری‌ها و انقلاب‌ها در سرتاسر تاریخ بوده است. برای افراد اقلیت‌های قومی، نوجوانی حلقه‌ی مهمی در زنجیره‌ی رشد آنهاست؛ به این علت که اگرچه کودکان بیش از دوره‌ی نوجوانی به بعضی از تفاوت‌های قومی و مذهبی آگاه هستند، اما اکثر اعضای اقلیت‌های قومی به طور آگاهانه، برای نخستین بار، با قومیتشان در دوره‌ی نوجوانی روبه‌رو می‌شوند و در این دوران قدرت تفسیر اطلاعات قومی و مذهبی را دارند. این آگاهی و شناخت از قومیت و مذهب باعث شکل‌گیری هویت قومی و مذهبی آنان در آینده می‌شود. در این بین بسیاری از نوجوانان

اقلیت‌های قومی و مذهبی با موضوعاتی مانند پیشداوری، تبعیض و موانعی که اهداف و آرزوهای آنها را تهدید می‌کند، نیز روبه‌رو می‌شوند.

کار شناسایی هویت در زنان احتمالاً پیچیده‌تر از مردان است؛ زیرا در دنیای کنونی آزادیهای زنان افزایش یافته و از سوی دیگر تفکر سنتی در خصوص نقش و جایگاه آنان باقی است که این امر باعث تعارض ارزشی در زنان شده است. این امر به ویژه برای زنانی که می‌خواهند با موفقیت نقشهای شغلی و خانوادگی (حوزه عمومی و خصوصی) خود را در کنار هم ایفا کنند پیچیدگی بیشتری به خود می‌گیرد.

این مطالعه به بررسی و مقایسه هویت قومی و دینی دانش‌آموز سال سوم دبیرستان سه گروه قومی کرد، ترک و ارمنی در مناطق شهری استان آذربایجان غربی می‌پردازد. استان آذربایجان غربی جزو استانهایی است که شکاف قومی و زبانی آن موازی با شکاف مذهبی بوده و علی‌رغم اینکه گروه‌های قومی آن در مجاورت هم زندگی می‌کنند، اما هر یک از آنها سبک زندگی مخصوص به خود را دارند.

بیان مسئله

جهان انسانی دنیایی مملو از اقوام و ملل گوناگون است که در سرتاسر آن با توجه به شرایط محیطی و جغرافیایی پراکنده شده‌اند. البته این پراکندگی و تنوع به ویژه در بعضی از کشورها و ملتها پررنگ‌تر است؛ از جمله کشور ایران که از آن به عنوان کشور کثیرالقوم یاد می‌شود. تعدد و تنوع اقوام تشکیل‌دهنده جامعه ایران به نحوی است که اطلاق واژه‌های کثیرالقوم و جامعه چند قومی و ترکیب جمعیتی آن از واقعیتی غیرقابل انکار خبر می‌دهد؛ به طوری که ایران‌شناسان شوروی تعداد ۲۹ ملیت ایرانی را شناسایی کرده‌اند و نیمی از استانهای کشور به طور مستقیم درگیر این تنوع قومی هستند. در واقع کشور ایران دارای گویش‌های مختلف (لهجه، نیم زبان و زبانهای محلی)، فرهنگ‌های قومی، خرده‌فرهنگ‌ها، قبایل، عشایر، طوایف و نژادهای مختلفی هست (حاجیانی، ۱۳۸۰: ۱۲۳). حضور و زندگی قومیت‌های مختلف چون فارس‌ها، آذری‌ها، کردها، بلوچ‌ها، ترکمن‌ها، عرب‌ها، و لرها در کنار یکدیگر و

در چهارچوب جغرافیای سیاسی واحد، بیانگر موزایک فرهنگی - قومی هویت و تمدن ایرانی است. در واقع الگوی فرهنگی - قومی کشور ایران همانند فرش‌های چشم‌نواز و نفیس کشورمان است که علی‌رغم ویژگی‌های مشترک از رنگ‌ها و طرح‌های متمایز و متنوعی بهره برده و بافته شده‌اند، الگوی پیچیده‌ای متشکل از گروه‌های قومی، زبانی، مذهبی، نژادی و منطقه‌ای را به معرض نمایش می‌گذارند تا جایی که به جرأت می‌توان ادعا کرد این نوع پیچیدگی خصیصه بنیادی جامعه ایران است. به طور کلی می‌توان هویت ملی را مانند مثلی فرض کرد که در یک ضلع آن اسلام، در یک ضلع دیگرش ایرانییت و در ضلع سوم آن قومیت قرار دارد.

عده‌ای از دانشمندان اجتماعی از جمله یاکوبسن بر این باورند که دو عنصر دین و قومیت نقش اساسی را در شکل‌دهی هویت افراد جامعه دارند و به بقای پیوندهای سنتی مانند خانواده، گروه قومی و مذهبی کمک می‌کنند. آنها می‌گویند این منابع نقش مهمی را در زندگی مردم بازی می‌کنند (Jacobson, 1998:13) و گاهی این هویت‌های مختلف باعث تعارضات گوناگونی می‌شوند. در مقابل گروه دیگر از دانشمندان از متلاشی شدن پیوندهای اجتماعی سنتی سخن می‌گویند و بر این باورند که با حرکت جوامع به سمت جهان مدرن امروزی، شاهد یکسان‌سازی در ابعاد مختلف زندگی انسانی از جمله هویت افراد خواهیم بود.

با توجه به مطالب فوق سؤالات اساسی مقاله این است که: کدام یک از دو عنصر مذهب و قومیت نقش اساسی‌تری در شکل‌دهی به هویت دانش‌آموزان دختر دارد؟ کدام یک از انواع هویت دینی و قومی برای آنان برجسته‌تر و مهم‌تر است؟ آیا هویت قومی و دینی در بین دختران دانش‌آموز ترک، کرد و ارمنی باهم متفاوت است؟

اهمیت و ضرورت تحقیق

ضرورت پرداختن به این موضوع از چند جهت حایز اهمیت است: نخست اینکه هویت به منزله پدیده‌ای زنده و پویا ترکیبی از عناصر و پایه‌های مختلفی است که در این میان دین و قومیت دو پایه اساسی در شکل‌دهی به هویت افراد است. لذا

شناخت اهمیت و جایگاه هریک از عناصر فوق در شکل‌دهی هویت پاسخگویان این تحقیق حایز اهمیت است.

دوم اینکه، امروزه شاهد مواجهه تمامی کشورها به ویژه ملل در حال توسعه با فرایند مستمر تغییر و گذار هستیم؛ تغییراتی که در تمامی زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی و ... ساری و جاری است. در این میان به ویژه کشورهایی که تحت عنوان ملل مذهبی قلمداد می‌شوند و همچنین گروه‌های قومی گوناگون در آنها به سر می‌برند، بحث شناخت هویت‌های گوناگون و گاه متناقض اهمیتی فوق‌العاده دارد. تحقیق در این زمینه به ویژه برای کشور ایران که در آن تنها دین اسلام به عنوان دین رسمی شناخته شده است و در عین حال توجه و تأکید خاصی بر تبلیغ مذهب شیعه وجود دارد و بنا به ماهیت و عملکرد کشورهای کمتر توسعه یافته تلاش در جهت کمرنگ کردن قومیت‌ها دارد جالب توجه و در عین حال ضروری به نظر می‌رسد.

سوم اینکه، کمبود تحقیقات و بررسی‌های جامعه‌شناختی هویت و عناصر تشکیل‌دهنده آن در جامعه ایران به ویژه از نگاه و رویکرد زنانه به این موضوع، به شدت محسوس است. با اندکی توجه درمی‌یابیم که تحقیقاتی که در این زمینه موجود است بیشتر پیرامون مردان دور می‌زند و زنان و دختران در اغلب این بررسی‌ها نادیده گرفته شده‌اند. لذا کمبود تحقیقات در موضوعاتی که به شناخت هویت زنان جامعه می‌پردازد ضرورت مطالعات نظری، تحلیلی و تحقیقات میدانی را در این حوزه بیش از پیش نمایان می‌سازد.

تحدید موضوع

به دلیل گستردگی مفهوم هویت و جامعه زنان و به دلیل ویژگی‌های خاص سنی دانش‌آموزان دختر سال سوم دبیرستان بر آن شدیم تا به بررسی تطبیقی هویت قومی و مذهبی دانش‌آموزان دختر سال سوم دبیرستان شهرستان‌های ارومیه، بوکان و شاهین‌دژ در سال تحصیلی ۸۲-۱۳۸۱ بپردازیم.

اهداف

- ۱- شناخت جایگاه و اهمیت هویت دینی دانش‌آموزان دختر سال سوم دبیرستان اهل تسنن - اهل تشیع و مسیحی استان آذربایجان غربی.
- ۲- شناخت جایگاه و اهمیت هویت قومی دانش‌آموزان دختر سال سوم دبیرستان کرد، ترک و ارمنی استان آذربایجان غربی.

پایه‌های نظری

فرد طی فرایندی مستمر در طول زندگی خود، تمامی عناصر اجتماعی - فرهنگی محیط خود را فرا می‌گیرد و درونی می‌سازد، تا خود را با محیطی که باید در آن زیست کند، تطبیق دهد. این فرایند را فرایند اجتماعی شدن یا جامعه‌پذیری می‌گویند (گی‌روشه، ۱۳۷۳: ۱۴۸). در این فرایند شخص درصدد است تا بفهمد که: او کیست؟ نقشی که باید در جامعه ایفا نماید کدام است؟ آیا او کودک است یا بزرگسال؟ آیا او توانایی دارد که روزی به عنوان همسر یا پدر و مادر باشد؟ آیا او علی‌رغم نژاد، دین یا زمینه‌های ملی دیگر که او را از نظر مردم کم‌ارزش جلوه می‌دهد، احساس اعتماد به نفس می‌کند؟

کیستی‌شناسی یا شناسایی هویت خویشتن هسته مرکزی نظریه رشد شخصیت را در مکتب اریکسون تشکیل می‌دهد. او همانند مارگارت مید^۱ مهم‌ترین وظیفه و هدف نوجوان را جستجو در راه یافتن هویتی پرمعنی می‌داند (شرفی، ۱۳۷۹: ۱۶-۱۷). اریکسون که نامش با موضوع هویت پیوند خورده است، معتقد است که هویت از بخشهای زیادی تشکیل شده است از جمله هویت شغلی، هویت سیاسی، هویت خویشاوندی، هویت عقلانی، هویت جنسی، هویت جسمی، هویت مذهبی و هویت قومی (Stanrock, 2001: 305).

در این مقاله به دلیل گستردگی موضوع و اهمیت خاص دو بخش دینی و قومی هویت، تلاش می‌شود تا صرفاً به هویت قومی و دینی افراد مورد بررسی پرداخته شود.

^۱ - M. Mead

تئوری‌های هویت دینی

یکی از اهداف مهم در این مطالعه ارائه درکی جامعه‌شناختی از حضور همیشگی دین به عنوان یکی از منابع هویت برای پاسخگویان است. در جامعه‌شناسی، دین به طور کلی به عنوان جزئی مهم از سیستم ارزشی یکپارچه‌کننده و انسجام‌بخش در نظر گرفته می‌شود. دین ملاطی اجتماعی^۱ است که افراد را به گروه‌های اجتماعی در نظمی مشترک به هم پیوند می‌زند. مذهب همچون قومیت از پایه‌های مهم تشکیل‌دهنده هویت جوامع، گروه‌ها و افراد قلمداد می‌شود. در خصوص جایگاه، نقش و کارکردهای دین در شکل‌دهی به هویت جوامع و گروه‌ها نظرات گوناگونی وجود دارد که شاید بتوان آنها را در دو قالب کلی قرار داد: نخست کسانی که معتقدند در دوران کنونی دین همانند گذشته نقش هویت‌دهی خود را از دست داده است و گروهی دیگر معتقدند اگرچه تحولاتی در باورهای مذهبی صورت گرفته اما مذهب همچنان نقش هویت خود را حفظ کرده است.

با نگاهی گذرا به نظریات جامعه‌شناسان به ویژه نظریه‌پردازان حوزه مطالعات جامعه‌شناختی دین به روشنی آشکار می‌شود که اندیشمندان این عرصه به نقش و جایگاه مذهب در شکل‌دهی به هویت جوامع و گروه‌ها اصرار دارند.

اگوست کنت پدر جامعه‌شناسی در بحث خود در خصوص نظریه مراحل سه‌گانه ذهن بشر به نقش دین در شکل‌دهی به گروه‌ها و جوامع انسانی به ویژه در مراحل ربانی و متافیزیک اشاره دارد (Zegourides, 2000:4) وی بیان می‌دارد که در مراحل اول و دوم توسعه جوامع، مذهب نقش اساسی در شکل‌دهی به هویت گروه‌ها و افراد دارد. به این دلیل است که دین و عالمان دینی از اهمیت خاصی برخوردارند؛ اما در مرحله اثباتی نقش مذهب کم‌رنگ‌تر می‌شود که به نظر وی این روند اجتناب‌ناپذیر است (Aldridge, 2000:57). به همین دلیل است که وی دین بشریت را بشارت می‌دهد.

¹ - Social cement

ویلسون^۱ نمایندهٔ تز سکولاریزه شدن جهان و ادامه‌دهندهٔ رهیافت وبری در این باب، فرایند عرفی شدن را روندی غیرقابل اجتناب و عام می‌داند. وی آمارها و ارقامی را که از سوی بعضی از مراجع در خصوص افزایش حرکات و جنبش‌های مذهبی و استقبال از دین ارائه می‌شود، سطحی و زودگذر می‌داند و عرفی شدن را روندی می‌داند که خواه و ناخواه تمامی کشورهای جهان از جمله کشورهای جهان سوم را در بر خواهد گرفت. یک فورده معتقد است نظر ویلسون در خصوص سکولار (عرفی) شدن دین مبتنی بر تئوری گماینشافت و گزلفاشت تونیس است که در مرحلهٔ اول یعنی گماینشافت، مذهب به تمام معنا همان «فرهنگ اجتماع» است؛ بر تمام امور تسری دارد؛ تمامی موضوعات و اتفاقات بر مبنای براهین دینی تبیین و تشریح می‌شود و تمامی زندگی فردی نیز در سیطره دین قرار دارد و مبنای عمده شکل‌دهی هویت جوامع، گروه‌ها و افراد، مذهب می‌باشد. اما در مرحلهٔ دوم، دین نقش اساسی هویت‌دهی خود را از دست می‌دهد و به عنوان نهادی در کنار سایر نهادهای جامعه از جمله خانواده، سیاست، اقتصاد قرار می‌گیرد (Beckford, 1992:110).

امیل دورکیم در بحث از انواع جوامع بر نقش مذهب در جوامع مبتنی بر همبستگی مکانیکی اشاره می‌کند. وی بر این باور است که مذهب و دین مشترک بانی تشابه افراد در این جوامع شده است و باورهای مشترک افراد را به صورت یک کل حفظ می‌کند و هویت می‌بخشد. اما در جوامع مبتنی بر همبستگی ارگانیک اصل همبستگی مبتنی بر تمایزات است و افراد باورها و عقاید متفاوتی دارند (Baert, 1998:4)(Crain, 1997:69). دورکیم نیز همانند کنت باور دارد که دین نقش قبلی خود را از دست داده است و دیگر نقش قبلی خود را در انسجام بخشی و هویت‌دهی به گروه‌ها و افراد ندارد (Giddens, 1994:105) و این روند از جوامع کوچک، ساده، همگون و قبیله‌ای به سمت جوامع بزرگ، مدرن و متمایز و صنعتی صورت خواهد گرفت.

^۱ - B. Willson

با مطالعه نظرات مارکس وبر در خصوص انواع کنش، مفاهیم، افسون‌زدایی، و انواع اقتدار و به ویژه «عقلانیت» به عنوان هسته مرکزی تحلیل جامعه‌شناسی وی از دنیای جدید درمی‌یابیم که در دنیای معاصر خصوصاً در کشورهای غربی مورد نظر وی دین و باورهای دینی نقش هویت‌دهی را برخلاف گذشته از دست داده است. همانند جوامع سنتی نگرش انسانها و برداشتشان از پدیده‌های پیرامونی، همگن و قالبی نیست و در جریان روند حرکت جوامع سنتی به سمت جوامع مدرن و غلبه عقلانیت، ارزش‌های دینی نیروی اجتماعی و انحصاری خود را از دست می‌دهند (محمدی، ۱۳۷۸: ۱۳۹) و هویت‌های گوناگون، متکثر و متفرق شکل می‌گیرند.

برخلاف این عده گروهی دیگر از اندیشمندان هستند که با توجه به مطالعات تجربی که انجام داده‌اند نقش دین را در هویت بخشی به افراد و گروه‌ها بسیار مهم می‌دانند. از جمله این افراد می‌توان به کسانی چون مودود، الیس، یا کوبسن، جوزف و تبتا فرایت اشاره کرد. اینان بر این باورند که اگرچه دین به عنوان یک عامل هویت بخش دچار فراز و فرودهایی بوده اما این نقش هنوز بسیار تعیین کننده است.

تئوری‌های هویت قومی

قومیت نیز به عنوان یکی دیگر از عناصر مهم هویت بخش مطرح است به گونه‌ای که در طول تاریخ بسیاری از جوامع و گروه‌های انسانی براساس متغیر قومیت شکل گرفته و ادامه یافته‌اند. امروزه این موضوع همانند عامل مذهب تحت تاثیر تحولاتی قرار گرفته که کل جامعه انسانی از آن متأثر است؛ فرایندی که از آن با عنوان «جهانی شدن» یاد می‌کنند. امروزه این سؤال مطرح است که آیا همانند گذشته قومیت نقش حیاتی خود را در هویت بخشی به افراد و گروه‌ها دارد یا دچار تحولاتی شده است. به دلیل اهمیت موضوع امروزه در بحث از هویت قومی دیدگاه‌های تئوریک متفاوتی شکل گرفته است از جمله:

۱- دیدگاه خاستگاه‌گرایی^۱

^۱ - Primordialist

۲- دیدگاه ابزارانگارانه^۱

۳- دیدگاه مرزبندی‌گرایی^۲

نظریه پردازان دیدگاه خاستگاه‌گرایی، معتقدند که استمرار و تداوم تاریخی اجتماعات قومی از تعلق احساسی به آن اجتماعات ناشی می‌شود و اجتماعات قومی واحدهای بنیادی جوامع بشری به شمار می‌آید (Jacobson, 1998:12). از همین دیدگاه تئوریک، استاک^۳ و گیرتز^۴ به موضوع شناخت افراد از قومیتشان می‌پردازند. این دو محقق عامل قومیت را به عنوان عاملی قدرتمند فرض می‌کنند که فرد را به گروه پیوند می‌دهد و این پیوندهای قومی می‌تواند تولید قدرت و نیرو نماید. براساس این دیدگاه در هر اجتماع قومی، آگاهی از خاستگاه، فرهنگ و پارامترهای مربوط به قومیت برجسبهایی هستند که دائماً تغییر می‌کنند (Jacobson, 1998:12).

در دیدگاه ابزارانگارانه باور غالب این است که برای فهم الگوی زندگی گروه قومی بایستی عامل اقتصادی و سیاسی که محیط اجتماعی گروه را تشکیل می‌دهد، شناخت. به نظر آنان تعلق به گروه قومی از مهارت اعضای عادی و نخبه آن در زمینه اهداف سیاسی یا اقتصادی ناشی می‌شود. دیدگاه ابزارگرایی با آثار و تحقیقات افرادی همچون مای‌نیهان^۵ مرتبط است. مای‌نیهان درباره مسئله قومیت می‌نویسد: شخص به گروه قومی خود از طریق پیوندهای خانوادگی و روابط دوستانه تعلق دارد. مضافاً اینکه این پیوند با مسئله سود و بهره نیز در ارتباط است (Jacobson, 1998:13).

دیدگاه سوم، یعنی دیدگاه معروف به مرز یا محدوده را «فردریک بارث» (Barth 1969) در سال ۱۹۶۹ در کتابی با عنوان «گروه‌های قومی و محدوده‌ها» مطرح کرده و بعدها بسیاری از محققان رشته‌های مردم‌شناسی اجتماعی و جامعه‌شناسی نژاد و قومیت آن را مورد بازبینی قرار داده‌اند. دیدگاه مرزی، دیدگاهی

1 - Instrumentalist

2 - Boundarist

3 - Stack

4 - Geertz

5 - Moynihan

پویاست که بر قابلیت انعطاف‌پذیری هویت قومی تأکید می‌کند. به عقیدهٔ بارث گروه‌های قومی نباید جدای از واحدهای فرهنگی در نظر گرفته شوند. بلکه آنها درون بافت وسیع‌تری از روابط اجتماعی جای می‌گیرند. به نظر وی برای تحلیل قومیت نباید گفت دنیایی از مردم جدای از هم وجود دارد. نظریه‌پرداز باید بداند که تمایزات قومی به دلیل عدم تحرک، عدم برخورد و نداشتن اطلاعات شکل نمی‌گیرند بلکه آنها به فرایندهای اجتماعی محرومیت و وابستگی وابسته هستند که به واسطهٔ آنها گروه‌های متمایز از هم، علی‌رغم مشارکت و عضویت در طول زندگی فرد باقی می‌مانند (Jacobson, 1998:14). به عقیدهٔ بارث، عاملان در هر موقعیتی خودشان را به طور دسته جمعی و با توجه به تفاوت‌های مهمی که بین گروه‌ها وجود دارد، تعریف می‌کنند. به نظر او تعاملاتی که بین اعضای گروه‌های قومی متفاوت اتفاق می‌افتد، گرایش به ساختارمند شدن دارند و به این ترتیب تمایز گروه‌ها افزایش می‌یابد (Jacobson, 1998:14).

دیدگاه سوم بر شناخت هویت و آگاهی از تفاوت‌های موجود در بین گروه‌های قومی، توسط عاملان اجتماعی تأکید دارد (جنکنیز، ۱۳۸۱: ۱۷۴).

با توجه به چارچوب تئوریکی ارایه شده قصد داریم براساس یافته‌های تجربی دریابیم که آیا هنوز دین و قومیت نقش اساسی خود را در شکل‌دهی به هویت افراد این تحقیق حفظ کرده است؟

سوالات تحقیق

- مذهب تا چه حد در شکل‌گیری هویت دانش‌آموزان مورد بررسی نقش دارد؟
- قومیت تا چه حد در شکل‌گیری هویت دانش‌آموزان مورد بررسی نقش دارد؟

فرضیات تحقیق

- بین هویت دینی و هویت قومی دانش‌آموزان مورد بررسی رابطه وجود دارد.
- بین اظهارات دانش‌آموزان مورد بررسی دربارهٔ نگرش والدینشان به گروه قومی و هویت قومی آنها رابطه وجود دارد.

- بین اظهارات دانش‌آموزان دختر سوم دبیرستانی درباره نگرش والدینشان به دین و هویت دینی آنها رابطه وجود دارد.
- بیسن نگرش دانش‌آموزان به گروه همسالان و هویت قومی آنها رابطه وجود دارد.

تعریف مفاهیم

تعاریف مختلفی از هویت شده است. از بین تعاریف ارائه شده به نظر می‌رسد تعریف بورک یکی از رساترین این تعاریف باشد به نظر وی: «هویت مجموعه معانی به کار برده شده خود در یک موقعیت یا نقش اجتماعی است، این مجموعه معانی مشخص می‌کند که فرد کیست و چه می‌تواند باشد؟ (Burke, 1997:837).

هویت قومی

- هویت قومی هر شخص عبارت است از شناخت ارزش‌ها و احساس تعلق فرد نسبت به عضویتش در یک گروه قومی خاص (Jacobson, 1998:9)
- هویت قومی یک جنبه اساسی از خود است که شامل عضویت در یک گروه قومی، نگرش‌ها و احساسات مربوط به آن عضویت است (Frith, 2000:9).

هویت دینی

هویت دینی عبارت است از شناخت ارزش‌ها و احساس تعلق فرد نسبت به عضویت در یک اجتماع دینی خاص (Jacobson, 1998:14).

اعتبار و روایی

در پژوهش حاضر قبل از جمع‌آوری اطلاعات، اعتبار صوری ابزار اندازه‌گیری مورد بررسی قرار گرفت. برای تعیین روایی سازه‌ای پرسشنامه از روش همسانی درونی استفاده شد، به این ترتیب که متغیرهای اساسی تحقیق (هویت دینی و هویت قومی) براساس سازه‌های موجود و خوشه‌های سؤالات، مورد آزمون قرار گرفت و همبستگی هریک از سؤالات با سازه‌های مربوط و با کل مقیاس سنجیده شده و مورد

۱۴۹ ■ دانش‌آموزان دختر: هویت ملی یا هویت قومی؟

تأیید قرار گرفت. برای تعیین پایایی پرسشنامه از آلفای کرونباخ استفاده شد و مقدار آلفای کرونباخ ۰/۷۴ بوده است.

جدول ۱ گویه‌های و ضریب‌های روایی مربوط به متغیر هویت دینی

متغیر	گویه‌ها (سؤالات)	ضریب روایی
هویت دینی	<p>- مسلمان یا (مسیحی) بودن برای من نسبت به کرد / ترک / ارمنی بودن اهمیت بیشتری دارد.</p> <p>- همیشه نسبت به دین و مذهب خود افتخار می‌کنم.</p> <p>- بارها در مورد عقاید دینی خود فکر کرده‌ام و اکنون باور دینی روشنی دارم.</p> <p>- من از محدودیتها و دستورات دین و مذهبم در مورد ارتباط با جنس مخالف پیروی می‌کنم.</p> <p>- به نظر من رابطهٔ دوستانه داشتن با جنس مخالف قبل از ازدواج با مذهبم در تضاد نیست.</p> <p>- به نظرم نحوهٔ پوششی که مذهبم برای زنان توصیه کرده، مناسب است.</p> <p>- رعایت حجاب و داشتن پوشش ساده برای زن مصونیت است نه محدودیت.</p> <p>- عمل به دستورات دین و داشتن حجاب کامل باعث بالا رفتن ارزش اجتماعی زنان می‌شود.</p> <p>- شرط مهم برای من در ازدواج هم مذهب بودن است حتی اگر با من هم قوم نباشد.</p> <p>- شرکت کردن در مراسم و اعیاد مذهبی (عیدفطر، عید تولد مسیح و ...) برای من نسبت به اعیاد باستانی (عید نوروز و ...) اهمیت بیشتری دارد.</p> <p>- تا چه حد اعتقاد به خدا را در سعادت دنیوی خود مؤثر می‌دانید؟</p> <p>- تا چه حد برای انجام اعمال عبادی به مسجد / کلیسا می‌روید؟</p> <p>- هرکس نتیجه اعمال خود را آخرت می‌بیند.</p>	۰/۷۱

جدول ۲ گویه‌ها و ضریب روایی مربوط به متغیر هویت قومی

متغیر	گویه‌ها (سؤالات)	ضریب روایی
هویت قومی	<ul style="list-style-type: none"> - همیشه نسبت به کرد / ترک / ارمنی بودن خود افتخار می‌کنم. - من تنها با فردی از گروه قومی خود ازدواج می‌کنم. - وقتی به زبان محلی خود صحبت می‌کنم احساس تعلق به گروه قومی در من بیشتر می‌شود. - فارسی صحبت کردن برای من مهم‌تر از محلی صحبت کردن است. - دوست دارم در همه جا به زبان محلی صحبت کنم. - موسیقی اصیل کردی / ترکی / ارمنی را از سایر انواع موسیقی بیشتر دوست دارم. - وقتی موسیقی محلی خود را می‌شنوم، احساس افتخار می‌کنم. - برای من شنیدن موسیقی به زبان محلی با فارسی هیچ تفاوتی ندارد. - دوست دارم در خانه لباس محلی و سنتی بپوشم. - من به پوشیدن لباسهای محلی و سنتی در خارج از خانه علاقه‌مندم. - وقتی لباسهای محلی می‌پوشم به گروه قومی خود افتخار می‌کنم. 	۰/۷۳

جامعه آماری

جامعه آماری مربوط به دختران (کرد، ترک، ارمنی) سال سوم دبیرستان در شهرستان (ارومیه، بوکان و شاهین دژ) می‌باشد که در سال تحصیلی ۱۳۸۱-۱۳۸۲ مشغول به تحصیل در دبیرستانهای دولتی این شهرستانها بودند. تعداد کل جامعه آماری براساس آماری که سازمان آموزش و پرورش این شهرستانها در اختیار محقق قرار داده ۱۳۰۰ نفر بوده است.

نمونه آماری و شیوه تعیین حجم نمونه

نمونه آماری مورد مطالعه در این پژوهش ۲۹۱ نفر دانش آموز دختر سال سوم دبیرستان می‌باشد. با توجه به اینکه تحقیق به بررسی تطبیقی سه گروه قومی (ترک،

۱۵۱ ■ دانش‌آموزان دختر: هویت ملی یا هویت قومی؟

کرد، ارمنی) می‌پردازد تعداد افراد نمونه به طور مساوی بین این سه گروه قومی توزیع شد. در این تحقیق جهت تعیین حجم نمونه به جدول مورگان و همکاران استناد گردید. این محققین جهت تهیه جدول از فرمول کوکران استفاده نموده‌اند (ظهوری ۱۳۷۸: ۱۱۱). نمونه به دست آمده از این جدول براساس تعداد افراد جامعه آماری، ۲۹۱ نفر است ولی به دلیل امکان افت آزمودنیها و تعداد کم دختران دانش‌آموز ارمنی در مقایسه با دانش‌آموزان کرد و ترک بر آن شدیم تا ۱۰۰ نفر از جامعه ۱۰۵ نفری دانش‌آموزان ارمنی دختر سوم دبیرستان مورد مطالعه قرار گیرند.

روش تحقیق

روش تحقیق مورد استفاده در این تحقیق، روش پیمایشی (Survey) و از نوع توصیفی - اکتشافی می‌باشد.

روشهای اندازه‌گیری مورد استفاده

در این پژوهش با توجه به سطوح مختلف اندازه‌گیری متغیرها از روشهای آماری مناسب هر سطح اندازه‌گیری مثل تحلیل واریانس، آزمون F ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده است.

متغیرهای وابسته

- ۱- هویت دینی
- ۲- هویت قومی

متغیرهای مستقل تحقیق

- ۱- اظهارات دانش‌آموزان درباره نگرش والدین به گروه قومی
- ۲- اظهارات دانش‌آموزان درباره نگرش والدین به دین

نتایج

متغیر هویت دینی به تفکیک گروه‌های دینی

در این پژوهش متغیر هویت دینی برای همه گروه‌های دینی مورد تحقیق با استفاده از ۱۲ گویه در سطح اندازه‌گیری رتبه‌ای به صورت یک طیف ۶ قسمتی ارزشگذاری شده است. برای روشن‌تر شدن موضوع، این طیف با لحاظ کردن دامنه تغییرات به صورت یک طیف سه قسمتی هویت دینی ضعیف، هویت دینی متوسط و هویت دینی قوی نشان داده شد که در آن نمره ۷۲ بیانگر برجستگی هویت دینی پاسخگویان و اهمیت زیاد آن برای دانش‌آموزان است و نمره ۱۲ بیانگر هویت دینی ضعیف دانش‌آموزان می‌باشد. نتایج نمودار نشان می‌دهد که میانگین هویت دینی پاسخگویان اهل تسنن ۵۳/۷ است و هویت دینی آنها در قسمت قوی قرار گرفته است. این میانگین ۶۸ درصد طیف را به خود اختصاص داده است.

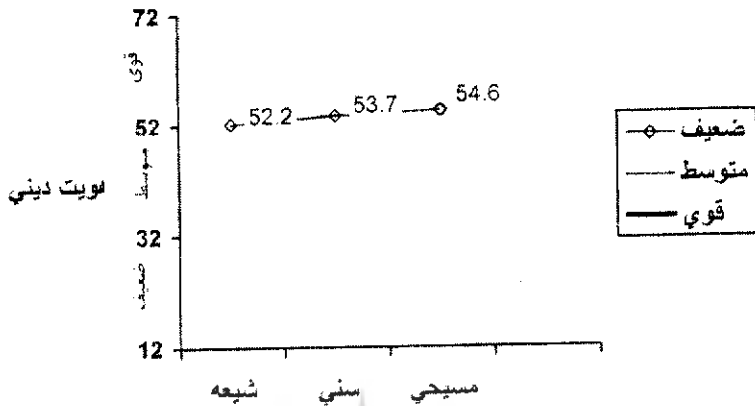
میانگین هویت دینی برای پاسخگویان اهل تشیع ۵۲/۲ است که در قسمت هویت دینی قوی پیوستار قرار گرفته‌اند. این میانگین ۶۲/۵ درصد طیف را در بر گرفته است.

میانگین هویت دینی برای پاسخگویان مسیحی ۵۴/۶ است و در قسمت قوی طیف قرار گرفته‌اند این میانگین ۷۱ درصد طیف را شامل می‌شود.

میانگین متغیر هویت دینی برای کل پاسخگویان ۵۳/۷ است. نمودار زیر نشان می‌دهد که کل پاسخگویان در قسمت هویت دینی قوی قرار گرفته‌اند و میانگین فوق ۶۹/۵ درصد طیف را به خود اختصاص داده است.

۱۵۳ دانش‌آموزان دختر: هویت ملی یا هویت قومی؟

نمودار ۱ میانگین هویت دینی دانش‌آموزان مورد بررسی برحسب گروه‌های دینی

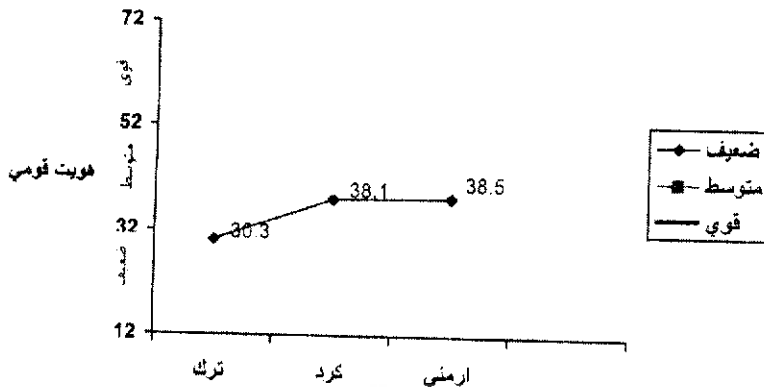


نتیجه: با نگاهی اجمالی به یافته‌های توصیفی به ویژه میانگین مربوط به هویت دینی دانش‌آموزان چنین برمی‌آید که به ترتیب اولویت دانش‌آموزان مسیحی، سنی، شیعه از هویت دینی بالایی برخوردارند.

متغیر هویت قومی به تفکیک گروه‌های قومی

در این پژوهش به طور کلی متغیر هویت قومی برای گروه‌های قومی تحقیق با ۲۱ گویه در سطح اندازه‌گیری رتبه‌ای مورد سنجش قرار گرفته که به صورت یک طیف ۶ قسمتی بوده است. برای درک بهتر موضوع، این طیف همانند طیف هویت دینی با لحاظ شدن دامنه تغییرات به صورت یک طیف سه قسمتی هویت قومی ضعیف، هویت قومی متوسط و هویت قومی قوی برای دانش‌آموزان ترسیم شده است. در این طیف نمره ۷۲ بیانگر برجستگی کامل هویت قومی پاسخگویان و نمره ۱۲ بیانگر هویت قومی ضعیف می‌باشد.

نمودار ۲ میانگین هویت قومی دانش‌آموزان مورد بررسی برحسب گروه‌های قومی



نمودار فوق‌گویای این مطلب است که میانگین هویت قومی دانش‌آموزان ترک ۳۰/۳ می‌باشد. میانگین به دست آمده از دانش‌آموزان ترک در قسمت هویت قومی ضعیف قرار دارد. این میانگین ۳۰/۵ درصد طیف را در بر دارد.

میانگین هویت قومی دانش‌آموزان ۳۸/۱ می‌باشد که در قسمت متوسط طیف قرار گرفته است و این میانگین ۴۳/۵ درصد طیف را در بر گرفته است. میانگین هویت قومی دانش‌آموزان ارمنی ۳۸/۵ می‌باشد. این میانگین در قسمت متوسط طیف قرار دارد و ۴۴ درصد طیف را به خود اختصاص داده است. میانگین کلی هویت قومی دانش‌آموزان فارغ از گروه قومی ۳۵/۷ می‌باشد که در قسمت متوسط طیف قرار دارد.

آزمون فرضیه‌ها

رابطه بین متغیر هویت دینی و هویت قومی

در این پژوهش برای بررسی رابطه بین هویت دینی و هویت قومی فرضیه «بین هویت قومی و هویت دینی دانش‌آموزان دختر سال سوم دبیرستان سه گروه: ترک و ارمنی رابطه وجود دارد» مطرح شد. نتایج حاصل از آزمون همبستگی پیرسون نشان

۱۵۵ ■ دانش‌آموزان دختر: هویت ملی یا هویت قومی؟

می‌دهد که سطح معناداری برای وجود رابطه بین هویت دینی و هویت قومی برای دختران دانش‌آموز سال سوم دبیرستان $\text{Sig}=0/005$ است که کوچک‌تر از آلفای $0/01$ و احتمال خطا می‌باشد لذا می‌توان گفت که بین دو متغیر رابطه معناداری وجود دارد و ضریب همبستگی بین این دو متغیر $0/49$ را نشان می‌دهد که بیانگر همبستگی نسبتاً متوسط بین این دو متغیر می‌باشد. بدین معین که با برجسته شدن هویت دینی برای پاسخگویان هویت قومی نیز به صورت متوسط برجستگی می‌یابد و یا برعکس.

جدول ۳ ضریب همبستگی پیرسون و سطح معناداری بین متغیرهای هویت دینی و هویت قومی

هویت قومی		Y	X
0/49	ضریب همبستگی	هویت دینی	
0/005	سطح معناداری		
272	تعداد مشاهدات		

رابطه بین اظهارات دانش‌آموزان درباره نگرش والدین به گروه قومی و هویت قومی نتایج حاصل از آزمون همبستگی r پیرسون نشان می‌دهد که سطح معناداری برای وجود رابطه بین اظهارات پاسخگویان درباره نگرش والدین به گروه قومی و هویت قومی $\text{Sig}=0/000$ است. بنابراین می‌توان گفت که بین این دو متغیر رابطه معنی‌داری وجود دارد. ضریب همبستگی بین اظهارات پاسخگویان درباره نگرش والدین به گروه قومی $0/53$ را نشان می‌دهد که بیانگر همبستگی نسبتاً متوسطی بین این دو متغیر می‌باشد. به این ترتیب نتایج نشان می‌دهد که با برجسته شدن نگرش والدین به گروه قومی هویت قومی دانش‌آموزان نیز برجسته می‌شود.

جدول ۴ ضریب همبستگی پیرسون و سطح معناداری بین متغیرهای اظهارات پاسخگویان درباره نگرش والدین به گروه قومی و هویت قومی

هویت قومی		Y / X
۰/۵۳	ضریب همبستگی	نگرش والدین به گروه قومی
۰/۰۰۰	سطح معناداری	
۲۸۵	تعداد مشاهدات	

رابطه بین اظهارات پاسخگویان درباره نگرش والدین به دین و هویت دینی برای سنجش رابطه بین اظهارات پاسخگویان درباره نگرش والدین به دین و هویت دینی از آزمون همبستگی r پیرسون استفاده شد. نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که رابطه معناداری بین این دو متغیر وجود دارد ($\text{Sig}=۰/۰۰۰$). همچنین ضریب همبستگی بین دو متغیر فوق $۰/۳۸$ است که بیانگر همبستگی نسبتاً متوسطی بین اظهارات پاسخگویان درباره نگرش والدین به دین و هویت دینی پاسخگویان می‌باشد. به این ترتیب طبق نتایج به دست آمده می‌توان گفت که با مثبت‌تر شدن نگرش والدین به دین، هویت دینی دانش‌آموزان نیز برجستگی بیشتری می‌یابد.

جدول ۵ ضریب همبستگی پیرسون و سطح معناداری بین متغیرهای اظهارات پاسخگویان درباره نگرش والدین به دین و هویت دینی

هویت دینی		Y / X
۰/۳۸	ضریب همبستگی	نگرش والدین به دین
۰/۰۰۰	سطح معناداری	
۲۸۵	تعداد مشاهدات	

نتیجه‌گیری

نتایج این تحقیق نشان داد که به ترتیب میانگین متغیر هویت دینی در بین دانش‌آموزان مسیحی ۵۴/۶، دانش‌آموزان سنی ۵۳/۷ و دانش‌آموزان شیعه ۵۲/۲ بوده است. به طور کلی با توجه به نمودار شماره (۱) دانش‌آموزان مورد بررسی در هر سه گروه مذهبی میانگین هویت دینی‌شان در قسمت قوی طیف قرار گرفته است. در بحث هویت قومی نیز همانند هویت دینی این ترتیب دیده شده است چنانکه میانگین هویت قومی دانش‌آموزان ارمنی ۳۸/۵، دانش‌آموزان کرد ۳۸/۱ و دانش‌آموزان ترک ۳۰/۳ بوده است. به استثنای هویت قومی دانش‌آموزان ترک که در قسمت ضعیف طیف قرار گرفته است، هویت دانش‌آموزان ارمنی و کرد در بخش متوسط طیف قرار گرفته است.

به طور کلی با نگاهی مقایسه‌ای به این دو متغیر در نمودارهای شماره ۱ و ۲ مشخص می‌شود که میانگین هویت دینی دانش‌آموزان مورد بررسی از میانگین هویت قومی آنان بیشتر است و به عبارتی از اهمیت و برجستگی بیشتری برخوردار است. این نتیجه با یافته‌های تحقیقی جکوبسن و سینتا جوزف (Joseph 2000) همخوانی دارد به نحوی که جکوبسن در یافته‌های پژوهشی‌اش به این نتیجه رسید که هویت دینی افراد مورد مطالعه‌اش نسبت به هویت قومی‌شان پررنگ‌تر و مرزهای قومی در بین نسل جوان نسل به هویت دینی و نسل‌های قبلی سیال‌تر است. یافته‌های تحقیقی سینتا جوزف در سال ۲۰۰۰ نیز حاکی از آن بود که برای اکثریت دختران مالزیایی، دین اسلام نقش بسیار مهمتری نسبت به سایر متغیرها در شکل‌دهی به هویت آنان داشته است.

از سوی دیگر شاید این یافته برخلاف نظر صاحب‌نظرانی همچون کنت، دورکیم، وبر و ویلسون باشد که معتقدند در جوامع امروزی دین نقش هویت‌دهی خود را تا حدود زیادی از دست داده است؛ چرا که نتایج حداقل در این بخش از جامعه ایران و در این مقطع زمانی چندان با این تئوری‌ها منطبق نیست اما تاییدی بر نظرات اندیشمندانی همچون مودود (Modood 1994)، والیس، جکوبسن، جوزف و فرایث

است که معتقدند امروزه دین نقش اساسی در شکل‌دهی به هویت افراد و گروه‌های انسانی دارد. البته این نکته را نباید از نظر دور داشت که جامعه ایران جامعه‌ای دینی و حکومت مستقر، حکومت دینی است که بر مذهب و آموزشهای دینی تاکید خاص دارد.

از طرف دیگر موضوع قومیت اگرچه در این تحقیق به اندازه مذهب پررنگ نبوده و دارای سیالیت بیشتری است اما نتایج نشان می‌دهد که موضوع قومیت از مهم‌ترین منابع هویت‌بخش است. از جمله نتایج جالب توجه دیگر موضوع برجستگی هویت دینی و قومی والدین دانش‌آموزان از منظر خود پاسخگویان است زیرا به همان ترتیبی که در بین دانش‌آموزان این دو متغیر دیده شد در بین والدین نیز همین روند تکرار شد به نحوی که والدین دانش‌آموزان ارمنی نسبت به والدین سنی و آنان نسبت به والدین شیعی از هویت دینی بالاتری برخوردارند.

نتیجه دیگر این است که بین دو متغیر هویت دینی و قومی جامعه مورد مطالعه همبستگی نسبتاً متوسطی دیده شده و این رابطه از لحاظ آماری نیز معنادار بوده است. نتایج آزمون این فرضیه نشان داد که هویت قومی و دینی ارتباط نزدیکی باهم دارند و با نتیجه تحقیق جکوبسن در سال ۱۹۹۸ مشابه است. همچنین این یافته با یافته فرایث در سال ۲۰۰۰ سازگاری دارد. وی در این بررسی درصدد شناخت رابطه بین هویت قومی و دینی مالایاییها بوده و به این نتیجه می‌رسد که افراد دارای هویت‌های گوناگونی هستند و این هویت‌ها لزوماً در مقابل هم قرار نمی‌گیرند.

در بررسی رابطه بین متغیرهای نگرش والدین دانش‌آموزان به مذهب و گروه قومی خود و هویت مذهبی و هویت قومی دانش‌آموزان نتایج جالب توجه و تامل‌برانگیزی حاصل شد. نتایج گویای این مطلب است که ارتباط بین متغیرها وجود دارد و شدت رابطه در حد متوسطی است. به این نحو که هر چقدر نگرش والدین نسبت به مذهب و گروه قومی خود از شدت بیشتری برخوردار باشد، میانگین هویت دینی و قومی دانش‌آموزان نیز بالاتر بوده است. چنانکه در سطور قبل دیدیم دانش‌آموزان مسیحی و سنی به ترتیب نسبت به دانش‌آموزان شیعه از میانگین

هویت دینی و قومی بالاتری برخوردارند و این در حالی است که والدین ارمنی و سنی نسبت به والدین شیعه نگرش مثبت‌تری نسبت به دین و قومیت خود دارند. این نتیجه منطبق با یافته‌های سازمان ملی جوانان و پژوهشی است که توسط آخوندی صورت گرفته است (سازمان ملی جوانان، ۱۳۸۱) و (آخوندی، ۱۳۷۷). در این تحقیقات مشخص شد که نگرش والدین به مذهب و قومیت در شکل‌دهی به هویت فرزندان نقش بسیار مهمی دارد.

و اما در پایان و به عنوان حسن ختام با توجه به نتایج حاصله بایستی اذعان داشت که:

- اگرچه به زعم بسیاری از اندیشمندان در دوران معاصر نقش دین و قومیت به عنوان عوامل هویت بخش در حال رنگ باختن است اما حداقل در جوامع در حال توسعه و بویژه دینی و کثیرالقوم هنوز نقش مذهب و قومیت در شکل‌دهی به هویت افراد و گروه‌ها غیرقابل انکار و اساسی است.

- با توجه به گره خوردن مسئله قومیت‌ها با مقوله مذهب در ایران ترسیم خط تمایز میان هویت‌ها آنچنان که بسیاری از جمله خود ما درصدد رسیدن به آن بودیم امکان‌پذیر نیست و نمی‌توان مرز میان هویت دینی و قومی را دیوار بتونی فرض نمود که هریک را از هم مجزا می‌کند. وجود چنین دیواری را به گفته جنکنیز فقط می‌توان در ذهن سازندگان آن جستجو نمود نه در واقعیت.

- نتایج حکایت از مؤثرتر بودن عوامل غیررسمی جامعه‌پذیری (خانواده) در هویت‌بخشی به افراد نسبت به عوامل و کانال‌های رسمی (حکومت: رسانه‌ها، مدارس و ...) دارد که خود حکایت از کاهش نفوذ دولت‌ها در این عرصه دارد.

- بدون شک فرایندهای حاکم بر جهان به ویژه پروسه «جهانی شدن» تأثیر خود را دیر یا زود بر همه کشورهای جهان عمیق‌تر خواهد کرد و مسایل و موضوعات جدیدی را هم در بحث هویت دینی و هم هویت قومی به پیش خواهد کشید.

نشریه دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه تبریز ☐ ۱۶۰

- فقدان اطلاعات علمی و کافی در خصوص قومیت‌ها و اقلیت‌های مذهبی در جامعه متنوع ایرانی، لزوم انجام گرفتن تحقیقات علمی و کاربردی در این حوزه را بیش از پیش ضروری می‌سازد.

- نتایج گویای این واقعیت است که تأکید بر روی یک مذهب و یا گروه قومی خاص سبب عکس‌العمل، ایجاد حساسیت، برجسته شدن هویت دینی و قومی غیرطبیعی را در بین پیروان سایر مذاهب و گروه‌های قومی دیگر به دنبال خواهد داشت.

- با توجه به نتیجه فوق و با توجه به وضعیت خاص ایران به عنوان کشور کثیرالقوم و متنوع لزوم نگرش واقع‌بینانه‌تر و کارشناسانه‌تر مسئولان و به ویژه مدیران حوزه فرهنگ را در این حوزه اقتضا می‌کند تا تهدیدها به فرصت تبدیل شود. - تلقی شرایط خاص دینی و قومی ایران به عنوان یک فرصت و نه یک تهدید، کاهش بسیاری از پیامدها و نتایج ناخواسته را سبب خواهد شد.

و در نهایت با توجه به روند جهانی شدن و تحولات کنونی جامعه بشری بدون شک آنگونه که گیدنز نیز باور دارد نقش دولت‌ها در بسیاری از ابعاد کاسته خواهد شد. لذا با توجه به این واقعیت به نظر می‌رسد بهترین استراتژی، در جوامعی با ویژگی‌های فرهنگی - قومی متنوع همچون ایران، همان دیالوگ آزاد و عادلانه بین همه گروه‌ها و به عبارتی همان «کنش ارتباطی» است که هابرماس مشتاقانه به دنبال آن است.

منابع

- ۱- آخوندی، باقر (۱۳۷۷)، «بررسی هویت ملی و مذهبی جوانان مشهدی و تأثیر روابط اجتماعی بر آن»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه فردوسی مشهد.
- ۲- جنکنیز، ریچارد (۱۳۸۱)، «هویت اجتماعی»، ترجمه تورج یاراحمدی. تهران، شیرازه. چاپ اول.

- ۳- حاجیانی، ابراهیم (۱۳۸۰)، «الگوی سیاست قومی در ایران»، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، سال چهارم، شماره اول و دوم، ۱۳۸-۱۲۵.
- ۴- سازمان ملی جوانان (۱۳۸۱)، «بررسی نگرش و مسایل جوانان ایران».
- ۵- شرفی، محمدرضا (۱۳۷۹)، «جوانان و بحران هویت»، تهران، انتشارات سروش. چاپ اول.
- ۶- ظهوری، قاسم (۱۳۷۸)، «کاربرد روشهای تحقیق علوم اجتماعی در مدیریت»، تهران، مهر.
- ۷- گی‌روشه (۱۳۷۳)، «تغییرات اجتماعی»، ترجمه منصور وثوقی. تهران: نشر نی. چاپ پنجم.
- ۸- محمدی، مجید (۱۳۷۸)، «دین علیه ایمان (مباحثی در جامعه‌شناسی دینی)»، تهران، انتشارات کویر. چاپ اول.

- 1- Aldridge, A, (2000), "*Religion in the Contemporary World*", Cambridge, Press.
- 2- Beckford, J, A, (1992), "*Religion and Advance Industrial Society*". London and N, Y., Routledge.
- 3- Baert, P, (1998), "*Social Theory in the Twentieth Century*", London, Polity Press.
- 4- Baert, F, (1969), "Introduction" in F, Barth (ed.) *Ethnic Groups and Baundaries, The Social Organization of Culture Difference*, London, Allen & Unwin.
- 5- Burke, P, J, (1997), "Identity Processes and Social Stress", *American Sociological Review* 56:836-849.
- 6- Craib, I, (1997), "*Classical Social Theory*", Oxford, Oxford University.

- 7- Frith, T, (2000), "Ethno-religious Identity and Urban Malays in Malaysia", *Asian Ethnicity* 1(2): 17-28.
- 8- Giddens, A, (1994), "*Capitalism and Modern Social Theory*", Cambridge, Cambridge University Press.
- 9- Jacobson, J, (1998), "*Islam in Transition*", London and New York, Routledge.
- 10- Joseph, C, (2000), "Teenage Girls and Schooling in Malaysia: Bridging Theoretical Issues of Gender Identity, Culture, Ethnicity and Education", *Intercultural Studies* 21(2): 77-92.
- 11- Modood, T, (1994), "Political Blackness and British Asians". *Sociology* 28(4): 859-76.
- 12- Stanrock, J, W, (2001), "Adolescence", New York: McGrawHill.
- 13- Zegourides, G, D, and Zegourides, C, (2000), "*Sociology*", Foster City, IDG Books Worldwide.